

داده نما
بریسانوری؛ روزنامهنگار

اختصاص ودیعه مسکن ۲ میلیارد تومانی به آسیب دیدگان جنگ

با آغاز جنگ رمضان تهران بار دیگر در کانون حملات قرار گرفت و در پی موشکباران های گسترده بیش از ۳۸ هزار ساختمان در مناطق مسکونی این شهر آسیب دید. در این شرایط بحرانی شهرداری تهران همچون روزهای جنگ ۱۲ روزه جتر حمایتی خود را بر سر شهروندان آسیب دیده گستراند و از همان ابتدا اقدام به اسکان آنها در هتل های پایتخت کرد. اکنون در گام بعدی، شهرداری به ترمیم خانه های آسیب دیده و فراهم کردن شرایط برای اسکان دائم و نوسازی منازل که به شدت تخریب شده اند، پرداخته است. عبدالملطهر محمدخانی، سخنگوی شهرداری تهران در این باره بیشتر توضیح داده است.

۴۹ درصد خانه های آسیب دیده مرمت شده اند

در جنگ تحمیلی سوم ۶۴۶ نقطه در شهر تهران توسط آمریکایی ها و صهیونیست های جنایتکار مورد اصابت قرار گرفت و آسیب های متعددی به شهر وارد شد. در بخش خانه های مسکونی در مجموع ۳۸۴۵۶ واحد مسکونی آسیب دیده داریم و از این تعداد ۹۸۸ واحد باید مقاوم سازی شوند، چرا که آسیب به این خانه ها به حدی است که با نظر کارشناسان متخصص نیازمند شرایط خاصی برای مقاوم سازی هستند که زمان تعمیر طولانی تری می طلبد. همچنین ۹۴۰ واحد مسکونی نیازمند تخریب و نوسازی است. در کنار اینها حدود ۲۳ هزار و ۱۵۳ واحد به طور جزئی آسیب دیده اند که ترمیم و مرمت آنها آغاز شده حدود ۴۹ درصد در بازسازی آنها پیشرفت داشته ایم و کار تعمیرات و بازسازی تقریباً به پایان رسیده و قابل سکونت شده اند.

اسکان ۱۸۲۹ خانواده در ۳۹ مرکز اقامتی

خانواده های که خانه شان در جنگ اخیر دچار آسیب جدی شده و غیرقابل سکونت است، شامل ۱۸۲۹ خانواده یا ۵۸۸۰ نفر است که به دستور شهردار تهران در ۳۹ مجموعه اقامتی از جمله هتل ها و مهمانسراها در سطح شهر تهران اسکان داده شده اند.

تصویب و ابلاغ مدل پرداختی جدید

برای حمایت از ساکنان واحدهای مسکونی آسیب دیده، یک مدل پرداختی جدید تصویب و ابلاغ شده است. چنانچه دکتراکانی اعلام و تأیید کرده است، این مدل پرداختی نسبت به دوره مشابه در جنگ ۱۲ روزه با توجه به تورم و گرانی افزایش یافته است. بر این اساس، برای ساکنان خانه های آسیب دیده، ودیعه مسکن ۲ میلیارد تومانی و اجاره ماهانه ۴۰ میلیون تومانی در نظر گرفته شده تا بتوانیم برای آنها مسکن استیجاری تأمین کنیم یا خودشان اقدام به اجاره کنند. همچنین نوسازی منازل تخریب شده با الگویی مشابه جنگ ۱۲ روزه در دستور کار قرار می گیرد تا در کوتاه ترین زمان ممکن، ثبات و آرامش به زندگی شهروندان بازگردد.

هدیه ۴۰۰ میلیون تومانی شهرداری

همچنین شهروندانی که لوازم خانه هایشان آسیب دیده و نیاز به تعویض دارند، به دستور شهردار محترم با تأیید بر اینکه «ما نمی گذاریم شهروندان در این شرایط بحرانی تنها بمانند»، هدیه ۴۰۰ میلیون تومانی برای خرید لوازم منزل دریافت می کنند.



وضعیت کلی آسیب ها در تهران

۳۸۴۵۶	۳۳۱۵۳	۴۹۶۷
تعداد کل واحدهای مسکونی آسیب دیده	تعداد واحدهای مسکونی آسیب دیده جزئی	تعداد واحدهای مسکونی آسیب متوسط

اسکان موقت تا ۲۱ فروردین

۱۸۲۹	۳۹
تعداد خانواده های اسکان داده شده در هتل	تعداد هتل های مورد استفاده برای اسکان




۲ میلیارد تومان
ودیعه مسکن برای آسیب دیدگان در نظر گرفته شده است.

۴۰ میلیون تومان
در ماه حداکثر مبلغ اجاره بها برای این گروه از شهروندان است.

۴۰۰ میلیون تومان
برای خرید لوازم منزل از سوی شهرداری تهران هدیه می شود.

۱۲۵ خانواده
پس از تعمیر و ایمن سازی اولیه تاکنون به منازل خود بازگشته اند.

نظم جدید در تنگه هرمز برقرار خواهد شد
مهدی چمران، رئیس شورای اسلامی شهر تهران: زهرنقلاب فرمودند تا جایی که جان داریم باید برای انقلاب اسلامی کار کنیم. خون رهبر شهید مانند خون جدش امام حسین (ع) سبب قیام های بیشتری خواهد شد. تنگه هرمز هم به زودی مشمول قوانین خاصی خواهد شد که در مجلس شورای اسلامی به تصویب می رسد.



بهشت، یک روز پس از آتش بس

روایت خبرنگار همشهری از حال و هوای این روزهای بهشت زهرا



شهر تبدیل شد. کارکنان پر تلاش این مجموعه، در کنار خیل عظیم نیروهای جهادی، شانه به شانه هم، بار سنگین رسیدگی به امور شهدا و تسلی خاطر بازماندگان را بر دوش کشیدند. در نخستین روز برقراری آتش بس، سری به «معراج شهدا» واقع

شهر تبدیل شد. کارکنان پر تلاش این مجموعه، در کنار خیل عظیم نیروهای جهادی، شانه به شانه هم، بار سنگین رسیدگی به امور شهدا و تسلی خاطر بازماندگان را بر دوش کشیدند. در نخستین روز برقراری آتش بس، سری به «معراج شهدا» واقع

شهر تبدیل شد. کارکنان پر تلاش این مجموعه، در کنار خیل عظیم نیروهای جهادی، شانه به شانه هم، بار سنگین رسیدگی به امور شهدا و تسلی خاطر بازماندگان را بر دوش کشیدند. در نخستین روز برقراری آتش بس، سری به «معراج شهدا» واقع

موجب خدمت
در کنار ورودی «معراج شهدا» مویکی ساده اما پررفت و آمد برپا شده است؛ بساط چای تازه دم، منوش های گرم و غذاهایی که بی وقفه آماده و توزیع می شوند. در میان هیاهوی آرام این فضای خدمت رسانی، حمید امصیلی در حالی که مشغول شستن اسکنان هاست، با یخچال می گوید: «خوشحالم که می توانم با همین پذیرایی کوچک دل خانواده های شهدا را دردمی کند.» او در حالی که اسکنان های تمیز را در دست می کشد، ادامه می دهد: «فضای معراج شهدا یک جور آرامش خاص دارد؛ آرامشی که در دیگر نقاط بهشت زهرا (س) کمتر دیده می شود. با وجود تلخی داغ شهادت، خانواده ها اینجا کمی سبکتر نفس می کشند. این آرامش، لطف خداست.»

سر دخانه های سیار
تدبیری برای روزهای سخت
در محوطه باز معراج شهدا ۴ کانکس بزرگ سفید رنگ جامایی شده اند. معاون فرهنگی و اجتماعی سازمان بهشت زهرا (س) درباره آنها اینطور توضیح می دهد: «این سردخانه های متحرک مکثی امین برای نگهداری پیکرهای مطهر شهدا هستند. این تدبیر امکان جابه جایی سریع پیکر ها را در صورت صدور هشدار های تخلیه فراهم می کند.» او از روزهای اوج جنگ اینطور یاد می کند: «در روزهای آغازین درگیری ها ۱۰ سردخانه متحرک در این محل مستقر بود و در برخی شیفت ها تعداد نیروهای جهادی و کارکنان به ۴۰ نفر می رسید. اما با فروکش کردن نسبی تنش ها و تدابیر امنیتی شاهد کاهش آمار شهدای روزهای اخیر بودیم.»

راهنمایان همدلی
از دیشبه های تابیلوی «معراج شهدا» که عبور می کنیم، راهنمایان «مراجعی» با بصورتی و مهریانی پذیرای خانواده های است که با قلبی شکسته برای پیگیری امور عزیزانشان آمده اند. نیروهای جهادی و کارکنان، با لحنی آرام و دلسوزانه، تمامی مراحل و زمانبندی های لازم را برای مراجعان شرح می دهند. عقیل منصور، معاون فرهنگی و امور اجتماعی سازمان بهشت زهرا (س) که در این بازدید همراه ماست، توضیح می دهد: «پس از دریافت راهنمایان های اولیه، خانواده شهدا وارد فرایند اصلی شناسایی پیکر مطهر عزیزانشان می شوند.»

چشمان منتظر برای شناسایی پیکر ها
شاید غم انگیزترین و در عین حال مهم ترین بخش معراج شهدا، همین قسمت شناسایی پیکر ها باشد. ۴ غرفه مجهز به نمایشگرهای بزرگ، تصاویر پیکرهای مطهر شهدا را به نمایش می گذارند. منصور در این باره می گوید: «پس از اینکه خانواده شهید تصویر اولیه عزیزشان را در این ایستگاه شناسایی کردند، به مسیری هدایت می شوند تا بتوانند پیکر مطهر شهید را از نزدیک ببینند. این اقدام برای ایجاد آرامش و تسلی خاطر خانواده انجام می شود.» او با بیان اینکه اینجا بخش پایانی حضور خانواده است، ادامه می دهد: «در صورتی که پیکر شهید از طریق تصاویر اولیه شناسایی نشود، و اطمینان بیشتری فرایند شناسایی تکمیل شود.»

خلوتی نسبی برای نخستین بار پس از ۴۱ روز
پس از سردخانه های متحرک که به سوله ای بزرگ می رسیم؛ جایی که آمبولانس های حامل پیکر شهدا در بدو ورود به آن هدایت می شوند. درون سوله چندین برانکارد چرخ دار آماده خدمت رسانی است و ۴ نیروی جهادی با لباس های فرم سفید مشغول فعالیت هستند. منصور توضیح می دهد: «پیکر مطهر شهدا پس از ورود به این سوله مراحل عکس برداری و نمونه برداری اولیه برای شناسایی را طی می کند. سپس تصاویر در غرفه های مخصوص نمایش داده می شود.» او با اشاره به آرامش حاکم بر فضا ادامه می دهد: «پس از ۴۱ روز برای نخستین بار شاهد خلوتی نسبی در این بخش هستیم. از شب گذشته که آتش بس اعلام شد، خدا را شکر، پیکر جدیدی به اینجا منتقل نشده است.»

روایت خدمت

دیدن پیکر کودکان
قلبم را به درد می آورد

مر تفضی نصیری، ۶۰ ساله، نیروی جهادی: «از زمان شیوع کرونا داوطلبانه در مواقع نیاز به یاری سانی آمدم. اکنون نیز اینجا هستم تا در فرایند آماده سازی پیکرهای مطهر شهدا برای تسلیع و خاکسپاری نقشی داشته باشم. دیدن پیکر این عزیزان بهویژه کودکان که مظلومانه به شهادت رسیدند، قلبم را به درد می آورد، اما افتخار می کنم که در این مسیر خدمتگزارم.»



شهادت ۸ عضو یک خانواده
برایم دردناک بود

علی تر کاشوند، ۲۰ ساله، نیروی جهادی: همیشه عاشق خدمت به شهدا بودم. با آغاز جنگ، داوطلبانه به «معراج شهدا» آمدم تا هر آنچه از دستم برمی آید، انجام دهم. دردناک ترین صحنه ای که شاهد بودم، ورود پیکر های یک خانواده هشت نفره بود که مظلومانه در کنار هم به شهادت رسیده بودند؛ صحنه ای که تا ابد در خاطرم خواهد ماند.



کارکنان و جهادگران
که کنار هم ایستادند

محمد امین درویشی، ۲۱ ساله، دانشجو: کار ما در سردخانه شامل جابه جایی پیکر شهدا و شناسایی و برقراری ارتباط با خانواده های چشم انتظار است. گاهی خانواده ها، تنها با نگاهی گذرا به پیکر، در پی اطمینان از حضور عزیزشان هستند. صحنه ای که بسیار اذیت کرد، مریوط به پدروی بود که فرزندش زیر آوار به شهادت رسیده بود. او هر بار که برای شناسایی مراجعه می کرد، پس از کنار زدن پارچه، با گفتن «این پسر من نیست»، آن را دوباره می پوشاند. این عمل بارها تکرار شد و صحنه تلخی را رقم زد.



دین پیکر کودکان
قلبم را به درد می آورد

مر تفضی نصیری، ۶۰ ساله، نیروی جهادی: همیشه عاشق خدمت به شهدا بودم. با آغاز جنگ، داوطلبانه به «معراج شهدا» آمدم تا هر آنچه از دستم برمی آید، انجام دهم. دردناک ترین صحنه ای که شاهد بودم، ورود پیکر های یک خانواده هشت نفره بود که مظلومانه در کنار هم به شهادت رسیده بودند؛ صحنه ای که تا ابد در خاطرم خواهد ماند.



در شهر

ایستادگی تهران در جنگ تحمیلی

در روزهایی که صدای انفجار از گوشه و کنار شهر شنیده می شد، افرادی در میدان حضور داشتند تا به مردم خدمت کنند. برخی هم از خدمات پیش بینی شده بهره مند می شدند. حالا این افراد این روزها روایت های مختلفی دارند: روایتی از ایستادگی، فداکاری و عشق به کشور که هنوز هم در دل های مردم زنده است.

مجید اصل قاسمی

راننده خط ۵ شرکت واحد

جابه جاکردن مسافران زیر صدای جنگنده ها



صدای گوشخراش پرواز جنگنده ها در تفاع پایین و در ادامه عملکرد پدافند و انفجار همه را ترسانده و فضا را دلهره آور کرده است. یکی از مسافران که بیشتر ترسیده خطاب به راننده فریاد می زند که در ایستگاه توقف نکند و به راهش ادامه دهد، اما راننده با چهره ای خندان و لحنی آرام و آمیخته با طنز سعی می کند این مسافر و بقیه مسافران مضطرب را آرام کند. مجید اصل قاسمی، راننده خط ۵ شرکت واحد که مسافران را از میدان صنعت به دانشگاه صنعتی شریف جابه جایی می کند و از طرف مسافران به عنوان راننده نمونه هم انتخاب شده است، می گوید: از کار کردن در جنگ و زیر این سرودها ترسی نداشتم. در روزهای جنگ هم مانند روزهای عادی با توکل بر خدا صبح ها از خانه بیرون زدم و سر کار رفتم. این سرودها و انفجارها بالاخره آزار دهنده بود و اصحاب و روان مسردم را به هم ریخت، اما سعی کردم با خوش رفتاری، شوخی و برخورد خوب مردم را آرام کنم. اعتقاد دارم که اگر اهلیم رسیده باشد فرقی ندارد کجا باشیم، چه داخل خانه یا پشت فرمان اتفان خواهد افتاد. از طرف دیگر دیدن مردمی که باز و بچه به خیابان های می آیند و در تجمع ها شرکت می کنند به من روحیه و انگیزه می دهد.

فاطمه برهانی

از آسیب دیدگان جنگی ساکن در هتل ها

تهیه غذا برای بیماران خاص آسیب دیده از جنگ

فاطمه برهانی از روز ۱۲ اسفند تاکنون به همراه خانواده اش در هتل زندگی می کند. او می گوید: روزهای اول شروع جنگ تهران نبودیم، اما در یکی از روزها پسرم رنگ زد و گفت خانه مان بمباران و تخریب شده است. بلافاصله خودمان را به تهران رساندیم و دیدیم در ساختمان چیزی باقی نمانده و تعدادی از همسایگانمان هم شهید شده اند. در نتیجه درخواست سکونت در هتل دادیم. اینجا شهرداری تا جایی که در توان داشته به ما رسیدگی کرده است. مثلاً همسرم دیابت دارد و نمی تواند برخی از غذاها را بخورد، اما مسئولان شهرداری نگاهشاندند ادیت سویم و برای همسرم غذاهایی را که سازگار با روند بیماری اش هست می آوردند. گاهی هم به درخواست خودم لوازم و مواد غذایی را که برای بخت غذای همسرم نیاز دارم می آوردند.

محمد حسینی

سر کارگر شهرداری ناحیه ۲ منطقه ۱۲

با وجود آسیب ها هیچ کس به فکر کسب درآمد نبود



همدلی کسب به پس از حمله به بخشی از بازار تهران در روزهای پایانی سال و هنگامی که اوج جنب و جوش این قطب اقتصادی کشور است، خاطر های است که محمد حسینی، سرکارگر شهرداری ناحیه ۲ منطقه ۱۲ تعریف می کند. او می گوید: «حدود ساعت ۹ شب اصابتی در نزدیکی کلاتری بازار و ساختمان قوه قضاییه رخ داد. بلافاصله به محل حادثه رسیدیم. صحنه ای پر از گردوغبار و ویرانی شبیه ویدئوهایی که در تلویزیون از غزه و فلسطین دیده بودیم، جلوی چشم مان بود. بلافاصله شروع به کار کردیم تا مسیر را برای امدادگران و بچه های هلال احمر باز کنیم، اما تار یکی شب و قطع برق کار را دشوار کرده بود. تصمیم گرفتیم کار را به صبح موکول کنیم. صبح روز بعد تیم جهادی تشکیل دادیم و داربست کشی کردیم. مردم حیرت زده بودند و همه به دنبال این بودند که ببینند آیا کسی آسیب دیده یا نه. ما یک هفته در آنجا بودیم تا مسیر را بازسازی کنیم. موج انفجار باعث آسیب به مغازه ها شده بود، اما خوشبختانه خسارت زیادی به اجناس وارد نشده بود. با وجود آسیب ها هیچ کس به فکر درآمد خود نبود. همه به فکر مساماندی وضعیت بودند و مغازه داران به ما و همکارانمان کمک می کردند تا مسیر را برای تردد مردم باز و سنگفرش پیاده روی ۱۵ خرداد را بازسازی کنیم. کسب به همکارانمان که مغازه هایشان آسیب دیده بود، کمک می کردند تا از کاسبی شب عید جا نمانند. این همدلی برای من شیرین و امیدبخش بود.»